

بنیان‌های نظری توسعه پایدار از منظر فقه اسلامی به عنوان شاخصه قدرت نرم

DOR:20.1001.1.23225580.1398.9.2.9.1

نوع مقاله: پژوهشی

مهدی کیایی^۱، عباس سماواتی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۶

چکیده

توسعه پایدار هرچند دارای اصول نسبتاً ثابت و پذیرفته شده‌ای است، اما رویکرد مکاتب فکری و سیاسی نسبت به مسأله توسعه پایدار دارای تفاوت‌هایی نیز می‌باشد. بر این اساس پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی بنیان‌های نظری توسعه پایدار در فقه اسلامی بپردازد که نسبت آن با قدرت نرم نیز بررسی می‌شود. بنابراین سؤال پژوهش این است که بنیان‌های نظری توسعه پایدار در اسلام شامل چه مواردی است و چگونه می‌تواند باعث ایجاد قدرت نرم در جامعه اسلامی شوند؟ فرضیه این است: منابع اسلامی و به طور مشخص فقه، دارای عناصر غنی و کاربردی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی هستند که با تبدیل شدن به الگو می‌تواند باعث افزایش قدرت جامعه اسلامی شوند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که قدرت یک جامعه ارتباط وثیقی با نحوه اداره آن جامعه، نگرش ایدئولوژی حاکم بر آن جامعه و همچنین سبک زندگی مردم و دولت‌مردان دارد که دین اسلام با توصیه به عدالت اجتماعی و اقتصادی، رفتارهای مبتنی بر اعتماد و همچنین حفاظت از محیط‌زیست و حراست از میراث نسل‌های آینده، الگویی برای دیگر جوامع نیز محسوب می‌شود. بنابراین تحقق این الگو از جهات مختلفی می‌تواند باعث جذب دیگران به الگوی اسلامی و افزایش قدرت نظام اسلامی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی گردد. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است که چارچوب نظری ژوزف نای را مبنای پژوهش قرار داده است.

واژه‌گان کلیدی: توسعه پایدار، فقه، قدرت نرم، جامعه اسلامی، نظام اسلامی.

۱- دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول)



مقدمه

نظام‌های سیاسی و اجتماعی برای آنکه بتوانند قدرت خود را فزونی ببخشند و یا بدون استفاده از زور، و از طریق اقناع، جذب دیگران، ایجاد امید اجتماعی و ترغیب دیگران به مسیر مطلوب و مورد نظر خویش، ایدئولوژی مورد نظر خود را بسط دهند، نیازمند استفاده از قدرت نرم هستند. قدرت نرم به معنای آنکه بتوانند از طریق کار بست مبنای فکری و ایدئولوژیکی خود، الگویی برای دیگران در نظر گرفته شوند و یا از طریق تأیید اجتماعی در داخل، منطقه و جهان، اعتماد دیگران را جلب کرده و منافع خود را پیگیری نمایند. از نظر اسلام و آموزه‌های قرآنی، تمدن‌های بشری که صورت ظاهری فرهنگی جوامع بشری است، با فکر و عمل انسانی تحقق می‌یابد که منابع و سرمایه‌های فکری و مادی آن در اختیار بشر قرار دارد. خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده است که بتواند با تصرف و تغییرات یعنی فکر و عمل، تغییرات تمدنی را پدید آورد. در کنار این عوامل مادی، توسعه و رشد همچنین لازم است تا عوامل معنوی چون ایمان به خدا، آگاهی به حقایق هستی (اعراف، ۹۶)، قانون عادلانه و پای بندی به آن (مائده، ۶۶)، ایجاد امنیت کامل و آرامش اجتماعی (بقره، ۱۲۶) توزیع عادلانه منابع تولید و ثروت و انفاق ثروت به نیازمندان (همان، ۲۷۶ / روم، ۳۹ / طلاق، ۷)، رعایت عدالت و انصاف در تجارت و معاملات (اعراف، ۸۵) و مانند آن فراهم آید تا توسعه پایدار مطلوب تحقق یابد. این بدان معناست که اسلام به همه ابعاد توسعه مطلوب و پایدار انسانی توجه داشته و هیچ گونه کوتاهی در بیان مقاصد و اهداف ننموده است.

از نظر اسلام، توسعه پایدار و توسعه مطلوب و مناسب، توسعه‌ای است که در راستای بالندگی و رشد همگانی بشر و دست یابی انسان به مظهریت در الوهیت و ربوبیت باشد و انسان بتواند به عنوان خلیفه الهی نقش و مسئولیت خود را انجام دهد. از این روست که تعالیم اسلام، با اشاره به شاخص‌های توسعه انسانی مناسب، به نقد شاخص‌های توسعه‌هایی می‌پردازد که این هدف را مد نظر قرار نمی‌دهد. اسلام به عنوان دین خاتم و کامل،

نه تنها به عدالت اجتماعی و اقتصادی، فقرزدایی، ایجاد رفاه عمومی و استقلال و خودکفایی اقتصادی، حفاظت از محیط زیست و ... سفارش و تأکید می‌کند، بلکه راه کارهای عملی برای رسیدن به این اهداف ارائه می‌نماید که از آن به توسعه پایدار مورد توجه اسلام میتوان تعبیر نمود.

این پژوهش در صدد بررسی توسعه پایدار در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و حکومت‌داری یا مدیریتی است و این فرضیه را دنبال می‌کند که شاخص‌های توسعه پایدار از حیث اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی، همگی در دین مبین اسلام بطور اتمّ و اکمل وجود دارد و الگو شدن آنان می‌تواند پشتوانه‌ای برای قدرت نرم محسوب شود.

۱. روش تحقیق

روشی پژوهش حاضر، توصیفی و تحلیلی و تحقیق نیز از نوع بنیادی است. منابع مورد استفاده از طریق منابع و کتب اسنادی و با تأکید بر منابع فقهی، آیات و روایات انجام شده است که به شیوه استنباطی نیز مطالب موردنیاز به شیوه فیش برداری استخراج و سپس تجزیه و تحلیل شده است.

۲. چارچوب نظری تحقیق

قدرت نرم ایده‌ای است که توسط ژوزف نای مطرح شده است و بر جنبه‌های اقناعی، نامحسوس و بالقوه قدرت توجه نشان داده است. برای قدرت، حتی مهم‌تر از برخی رده بندی‌های صورت گرفته در محبوبیت و جذابیت، این واقعیت نهفته است که منابع بالقوه قدرت، همواره در عمل نمی‌توانند در عمل نیز تحقق پیدا کنند و نتایج موردنظر را به دست آورند. برای اینکه اهداف بالفعل به دست آیند، نیازمند آن هستیم که از جهت مخاطبان، اندازه اهداف بالقوه قدرت نرم، جذابیتی در میان باشد و آن جذابیت در نتایج سیاست‌ها نیز تأثیر بگذارد (نای، ۱۳۸۷: ۸۵-۸۷). این تأثیرگذاری از نظر ژوزف نای بیش

از پیش توسط رفتارهای افراد، عملکرد نامحسوس گروه‌ها و حتی دولت و ایدئولوژی‌های سیاسی و فرهنگی شکل می‌گیرد. افراد و نهادها از طریق رفتارهای جذاب می‌توانند ایده خود را به طرف مقابل قبولانند و در نهایت قدرت خود را افزایش دهند.

قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و منابع یک کشور چون فرهنگ، آرمان یا ارزش-های اخلاقی اطلاق می‌شود که به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد. قدرت نرم در سیاست بین‌المللی ناشی از عوامل نامشخص، اما بسیار واقعی مانند ارزش‌های غالب، اعمال و سیاست‌های داخلی و شیوه اداره روابط بین‌المللی است (نای، ۱۳۸۶: ۱۲۹). بدین ترتیب، «قدرت نرم» از نظر ژوزف نای قدرتی است برای رسیدن به نتایج مطلوب بدون تهدید و یا پاداش ملموس. بر این پایه یک کشور و حاکمیت می‌تواند به مقاصد موردنظر خود نائل آید؛ چون کشورهای دیگر، ارزش‌های آن را می‌پذیرند و تحت تأثیر پیشرفت و اندیشه آن قرار می‌گیرند و در نتیجه خواهان پیروی از آن می‌شوند. در این مفهوم، آن چه مهم تلقی می‌شود، تنظیم دستورالعملی است که دیگران را جذب کنند. بنابراین قدرت نرم، کسب آن چیزهایی است که از طریق جذب کردن نه از طریق اجبار و یا پاداش می‌خواهید باشد. در منازعات این قدرت (نرم)، کنترل قوای احساسی و توان فکری سرمایه اجتماعی کشور هدف، به وسیله اغوا و ارشاد با بازیگری حب و بغض در حوزه احساسات (قلب) و شک و یقین در حوزه تفکر (مغز)، موضوعیت دارد (سنجایی شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

از منظر جوزف نای، قدرت نرم به معنای داشتن قدرت دستیابی به اهداف از طریق جذب کردن دیگران است که در واقع به جای استفاده از سیاست اجبار و زور به کار می‌رود. روش‌های متعددی برای دستیابی به این هدف وجود دارد که می‌تواند از طریق ایجاد جذابیت فرهنگی، طرح ایده سیاسی و برنامه‌ها صورت گیرد. هنگامی که سیاست‌ها از نظر دیگران، مشروعیت پیدا کند، قدرت نرم شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، وقتی که دیگران نظرات و طرح‌های دیگری را می‌پذیرند و در این میان از اجبار و وادارسازی استفاده نمی‌-

شود، از قدرت نرم استفاده می‌شود (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۲۲). علاوه بر این، قدرت نرم برای آنکه بتواند آثار مثبت خود را برجای بگذارد، نیازمند ایجاد شرایطی است که در آن، یک طرف (در اینجا دولت و یا دولت‌ها) ایدئولوژی و تصویرسازی دیگری را به رسمیت بشناسد و آن را مثبت ارزیابی کند. از این جهت، قدرت نرم تحت شرایط خاصی باعث ایجاد تغییرات می‌شود (Patalakh, 2016: 88). روش‌های دیپلماتیک، رسانه‌ای، فرهنگی، تعاملات اقتصادی و تجاری به نوبه خود می‌تواند در این زمینه قابل توجه باشند. از این جهت در عصر ارتباطات و سیطره قدرت نرم، «فرهنگ» مؤلفه مهمی تلقی می‌شود. به هر حال امروزه، فرهنگ، سیاست، ارزش‌ها در حال اهمیت یافتن برای همه در عرصه روابط بین‌الملل هستند (Lin and Hongtao, 2017: 69). همه شرایط مذکور در زمره ابزارهای به کار گرفته شده در زمینه قدرت نرم محسوب می‌شوند که به نوبه خود می‌تواند تصویری مثبت ایجاد کنند.

جذب کردن و ایجاد تصویر مثبت می‌تواند مقدمه‌ای بر ایجاد قدرت نرم تلقی شود. زیرا تصور خوب بودن، مؤثر بودن، با اهمیت بودن و دیده شدن از سوی طرف مقابل نشان‌دهنده آن است که قدرت نرم در حال حصول است. به هر حال، قدرت نرم، با روش‌های مختلفی برای دستیابی به همکاری نیز تلاش می‌کند، یعنی استفاده همزمان از ارزش‌ها و جذابیت برای دستیابی به آن چیزی که طلب می‌شود (Lin and Hongtao, 2017: 70). بدین ترتیب، قدرت نرم شامل عناصری ریشه‌دار، حقیقی و فاقد گذر زمان می‌شود که در متن فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد یک کشور یافت می‌شود. برخی از این مؤلفه‌ها عبارت است از: هنر، آداب و رسوم، ادبیات و فولکلور، ویژگی‌های خاص ملی، ورزشی، توانمندی اقتصادی، انسجام داخلی، کارآمدی دولت، اعتماد به نفس ملی، همبستگی ملی، جذابیت‌های ایدئولوژیک، جاذبه‌های طبیعی و گردشگری، و همچنین ارائه الگویی جذاب از نوع اداره کشور و حکومت در نگاه ناظران و افکار عمومی بین‌المللی (دارابی‌نیا و فروغی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۸۱). همین ویژگی‌ها باعث می‌شود تا قدرت نرم نقش مؤثری در پیگیری اهداف دولت‌ها در

عرصه بین‌المللی داشته باشد. تکیه بر فرهنگ، ارزش‌ها و آرمان‌های یک کشور برای دستیابی به اهداف خاص آن کشور می‌تواند در راستای نفوذ بر مبنای قدرت نرم تفسیر شود. از این منظر، قدرت نرم حتی می‌تواند به طور واقعی و اتفاقی در اغلب مواقع بهترین وسیله برای دستیابی به اهداف سیاسی باشد (Gray, 2011: 46). به هر ترتیب، قدرت نرم دارای شرایط و زمینه‌هایی است که وجود آنان باعث می‌شود تا جذابیتی از سوی دیگران شکل بگیرد و به-عنوان ابزاری مهم به کار گرفته شود. نکته دیگر اینکه در عصر جهانی‌شدن مفهوم قدرت با تحول مفهومی مواجه شده است. گذار از تمرکز بر قدرت نظامی سنتی به سایر ابعاد نوظهور قدرت، اصالت یافتن مشخصه‌های فرهنگی، هنجاری، گفتمانی و نامتقارن و اشاعه معانی غیرنظامی قدرت مانند قدرت اقتصادی، قدرت تکنولوژیک، قدرت نرم، قدرت بازیگری و قدرت اجماع‌سازی از نمادهای این تحول بوده است. حتی ویژگی و جذب یک نظام سیاسی و اجتماعی در زمینه خاصی می‌تواند باعث شکل‌گیری قدرت نرم شود. به عنوان مثال، الگو بودن یک نظام سیاسی می‌تواند باعث جذب سایر کشورها شود و راه رسیدن به منافع را برای آنان تسهیل نماید. در این صورت «الگوسازی» یکی از راه‌های رسیدن به قدرت نرم و فزونی بخشیدن به آن است که حتی امروزه قدرت هوشمند طراحی شد تا نشان دهد که چگونه قدرت سخت و قدرت نرم می‌توانند با هم تعامل داشته باشند و یکدیگر را تقویت کنند (نای، ۱۳۹۰: ۵). به طور مشخص الگو بودن یک نظام سیاسی در حوزه توسعه پایدار و ابعاد آن می‌تواند شاخصه‌هایی برای قدرت نرم در نظر گرفته شوند که در این پژوهش به مبانی نظری توسعه پایدار به عنوان یکی از شاخصه‌های قدرت نرم در فقه اسلامی پرداخته می‌شود.

۳. توسعه پایدار و ابعاد آن

توسعه عبارت از فرآیندی است که طی آن گزینه‌های انتخاب مردم گسترش می‌یابد (مشکی، ۱۳۹۵: ۲۶). توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمند تر شدن و حتی بزرگ تر شدن است (دانشنامه آکسفورد).

بنابراین اگر توسعه را روند تغییر از وضعیت موجود و ناپایدار به وضعیت مطلوب و پایدار بدانیم و وضعیت مطلوب با آرمانی را که هدف چنین توسعه‌ای است، همان توسعه انسانی پایدار تعریف کنیم، برای سنجش و ارزیابی آن، دو معیار درجه انسانی بودن و درجه پایداری توسعه باید مورد توجه قرار گیرد. در چنین الگویی، توسعه، فرآیندی در جهت استفاده بهینه از منابع و فرصت‌ها خواهد بود. عناصر و زیر سیستم‌های اصلی تشکیل دهنده این فرآیند عبارت خواهند بود از مردم، منابع، فعالیت‌ها، فضاها و مشارکت، عناصری که در ارتباط متقابل و چند جانبه با یکدیگر قرار دارند. پیوند مطلوب این عوامل باعث افزایش کارآیی سیستم و در واقع افزایش پایداری، تعادل و بازده سیستم توسعه می‌گردد (جمعه پور، ۱۳۷۸: ۷). ضمن اینکه بازسازی جامعه بر اساس اندیشه‌ها و بصیرت‌های تازه، علم باوری، انسان باوری و آینده باوری سه اندیشه در دوران مدرن هستند و برای رسیدن به توسعه، باید به سه اقدام اساسی درک و هضم اندیشه‌های جدید، تشریح و تفصیل این اندیشه‌ها و ایجاد نهادهای جدید برای تحقق عملی آن‌ها پرداخت (عظیمی، ۱۳۶۹: ۱۰۳).

توسعه به معنای کاهش فقر، بیکاری، نابرابری، صنعتی شدن بیشتر، ارتباطات بهتر، ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی جاری نیز آمده است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۴۱). همچنین دستیابی به توسعه، هدف و یا مقصد نهایی نیست، بلکه یک فرایند است. به همین دلیل به جای استفاده از اصطلاح «توسعه یافتگی»، اصطلاح «توسعه پایدار» به کار گرفته می‌شود. تفاوت استفاده از این اصطلاح آن است که همه کشورها و نظام‌های سیاسی به این نتیجه برسند که «نقطه پایانی در توسعه وجود ندارد». به بیان دیگر، هیچوقت نمی‌توان چنین ادعا کرد که پس از مهیا شدن شروط عمومی و اختصاصی در یک جامعه، آن را توسعه یافته در نظر بگیریم. بنابراین نمی‌توان گفت که به نقطه پایان راه رسیده‌ایم. صحیح‌تر آن است که گفته شود «این کشور در مسیر توسعه پایدار قرار دارد». با این وجود این احتمال نیز می‌رود که مطابق شاخص‌های

استاندارد بین‌المللی کشور یاد شده، به عنوان کشوری توسعه یافته در نظر گرفته شود. توسعه پایدار از جمله مفاهیم و وضعیتی است که هم جذابیت‌های خاصی برای سیاستمداران و برنامه‌ریزان کشورها دارند هم اینکه با آرمان‌های جوامع مختلف سازگاری دارند. این دیدگاه که نسل‌های آینده بشر، برای ادامه حیات و زندگی به کره زمین وابسته خواهند بود، این شرایط را الزامی می‌سازد که میزان بهره‌مندی بالقوه نسل‌های آینده نیز نباید از میزان بهره‌مندی نسل فعلی کمتر باشد. توسعه پایدار هم مطلوب اهالی اقتصاد است که رویکرد و نگاه عقلانی به مسائل مختلف دارند و از این جهت نیز هدفی در چارچوب عقلانیت اخلاقی محسوب می‌شود. بر همین اساس، دارای مقبولیت و مشروعیتی عام در کشورهای مختلف و افراد جوامع بشری است. توسعه پایدار به عنوان هدف اغلب جوامع است. هرچند مشکلات خاص و گسترده باعث شده تا هدف کشورهای جهان سوم بیشتر بر دستیابی به توسعه باشد تا اینکه توسعه پایدار را تجربه کنند. در هر صورت آنچه به نظر می‌رسد این است که از بین بردن شکاف فعلی میان دو شرایط دنیای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بدون فرایند توسعه پایدار، امکان‌پذیر نیست. اصطلاح «توسعه» به ارتقای سطح زندگی و کیفیت زندگی افراد و بهبود رفاه جامعه معطوف می‌شود و مقصود از «پایداری» آن نیز توجه نشان دادن به به استمرار این فرآیند در طول نسل‌های بشر است. بدین ترتیب، توسعه پایدار همه ابعاد زندگی بشر را شامل می‌شود. با توجه به این مسأله نباید توقع داشت که این مقوله به سادگی قابل بیان و به سهولت قابل اندازه باشد (متوسلی، ۱۳۹۲: ۵۳-۵۲). اصطلاح توسعه پایدار اولین بار در سال ۱۹۸۰ در گزارش انجمن بین‌المللی حفاظت از منابع طبیعی با عنوان «استراتژی حفاظت از منابع طبیعی» به کار برده شد و براساس همین گزارش که تحت عنوان «آینده مشترک ما» که گزارش بروتلند نیز نام گرفته است و توسط کمیسیون محیط زیست و توسعه سازمان ملل متحد تدوین شده، به طور همه جانبه‌ای گسترش یافت و پیامدهای سیاسی گسترده‌ای مخصوصاً در کشورهای توسعه یافته بر جای گذاشت. در نهایت اینکه توسعه پایدار از مفاهیم و محصولات دهه ۹۰

می‌لادی است و در سمپوزیومی که در سال ۱۹۹۱ در لاهه برگزار شد به ادبیات توسعه راه یافت (همان: ۶۶-۶۰). با این حال توسعه پایدار در هر مکتب فکری و سیاسی دارای ابعاد و مؤلفه‌هایی است که گونه‌های مختلفی از توسعه پایدار را در سطح جهان رقم زده است. با توجه به همین مسأله، جستجوی مبانی نظری توسعه پایدار در فقه اسلامی حائز اهمیت است و از جهت اینکه می‌تواند توسعه پایدار اسلامی را به عنوان الگویی برای دیگران و ابزاری برای جذب، اقناع و متقاعد کردن دیگران باشد، بسیار مهم است. علاوه بر اینکه، می‌تواند بنیانی فراگیر برای افزایش قدرت نرم و قدرتی پنهان و مضاعف برای جامعه اسلامی در نظر گرفته شود.

۴. یافته‌های پژوهش

در دسامبر ۱۹۹۹م، کارگاه آموزشی بین‌المللی به منظور ارزیابی نتایج آزمایشی کاربرد شاخص‌های توسعه پایدار در کشورهای داوطلب، در کشور باربادوس و با کمک مالی کشور آلمان برگزار شد. در این کارگاه نتایج ارزیابی شاخص‌های توسعه پایدار، قابلیت کاربرد آنها، اهمیت آنها برای تصمیم‌گیری در سطح ملی، موانع و مشکلات اجرای آنها در سطح ملی و سایر موارد مرتبط با شاخص‌ها مطرح و به بحث گذاشته شد. اغلب کشورهای شرکت‌کننده در این کارگاه، اجرای آزمایشی شاخص‌های توسعه پایدار در کشورهای خود را آزمونی ارزشمند و موفقیت‌آمیز عنوان کردند. هدف اصلی تدوین شاخص‌ها، استفاده از آنها جهت بررسی‌های تطبیقی و همچنین نظارت بر جهت‌گیری کلان کشورها و هدایت آنها در راستای توسعه پایدار عنوان شد (مولدان و بیلهارز، ۱۳۸۱، ۱۷۵-۱۷۱). شاخص‌های یادشده در چهارگروه زیر طبقه‌بندی گردید:

الف. توسعه پایدار اقتصادی ب. توسعه پایدار اجتماعی ج. توسعه پایدار زیست محیطی.

بر این اساس، شاخص‌های توسعه پایدار، جست‌وجوی این شاخصه‌ها در فقه و منابع اسلامی علاوه بر اینکه می‌تواند ابعاد توسعه پایدار را به ما نشان دهد، نقش مهمی در تدوین

مبانی نظری توسعه پایدار جهت دستیابی به قدرت نرم ایفا می‌کند. در تعالیم اسلامی نیز خداوند به صراحت در بیان توسعه مطلوب و موافق با حکمت و فلسفه آفرینش، توسعه‌ای را مناسب ارزیابی می‌کند که به دور از هر گونه تصرفات و تغییرات فسادآمیز باشد. «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ...» (روم، ۴۱). بدین ترتیب از نظر قرآن، هر گونه توسعه که تامین کننده آسایش همگانی بشر نباشد و ثروت و رفاه و آسایش را فقط برای عده ای به ارمغان آورد، توسعه نامتوازن و نامتعادل شمرده و مردود دانسته شده است. لذا هرگونه فقدان یا نقصان عوامل مادی و معنوی یاد شده در آیات قرآنی، میتواند تاثیرات منفی در توسعه پایدار به جای گذارد. به این معنا که عدم رعایت عدالت و انصاف یا عدم گردش سالم اقتصاد در همه سطوح و اقشار جامعه (حشر، ۷) یا تخریب محیط زیست می‌تواند آسیب جدی به توسعه جامعه بر اساس موازین و شاخص‌های اسلامی آن وارد سازد. بدین ترتیب، اسلام توجه خاص به توسعه پایدار در تمام چهار مدل یا شاخصه کلی و جهانی توسعه دارد که در ذیل به توضیح و بررسی هر یک می‌پردازیم.

۴-۱. توسعه پایدار اقتصادی

توسعه اقتصادی یکی از محورهای توسعه پایدار در اسلام است که در صورت کاربست صحیح می‌تواند الگویی برای سایر کشورها و ابزاری برای جذب و ترغیب دیگران جهت استفاده از الگوی توسعه اسلامی باشد. به طور دقیق، تغذیه مناسب، یکی از ابعاد توسعه پایدار اقتصادی است. خداوند در قرآن کریم گاه با تعبیر «أَلْ مِنْ حَرَمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (اعراف، ۳۲) مردم را به استفاده از روزی‌های پاک ترغیب می‌کند و گاه به طور صریح فرمان می‌دهد که از روزی‌های پاکیزه بخورند: «يا أيها الذين آمنوا كلوا من طيبات ما رزقناكم» (بقره، ۱۷۲)

امام صادق (ع) می‌فرماید: «إن الله خلق الخلق وخلق معهم أرزاقهم حلالا طيبا» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ۸۱) خداوند آفریدگان را آفرید، و همراه آفرینش آنها، برایشان روزی حلال و

پاکیزه را (به قدر کافی) به وجود آورد. بنابراین اگر بشر نتواند از تغذیه مناسب برخوردار باشد، زندگی او توسعه نیافته است.

پوشاک مناسب نیز بُعد دیگری از توسعه پایدار در اسلام است که از شاخص‌های زندگی مناسب، داشتن پوشاک مناسب آن عصر و جامعه است. امام صادق(ع) فرمود: «فَخَيْرَ لِبَاسِ كُلِّ زَمَانٍ لِبَاسُ أَهْلِهِ» بهترین لباس هر زمان، لباس مردم آن زمانه است. (همان، ج ۱، ۴۱۱) علاوه بر ضرورت داشتن لباس مناسب هر زمان، تهیه لباس های متعدد برای فصول مختلف نیز از شاخصه‌هاست؛ همان گونه که در دستورات دینی درباره تهیه لباس جهت همسر آمده است: «و یکسوها فی کل سنه اربعه اُثواب. ثوبین للشتاء و ثوبین للصیف» (همان، ج ۵، ۵۱۲) بر مرد لازم است که برای همسر خود در طول سال چهار دست لباس تهیه کنند. دو دست برای زمستان و دو دست برای تابستان. علاوه بر این، بهره‌مندی از مسکن مناسب از دیگر ضروریات زندگی مطلوب و شاخصه اقتصادی توسعه پایدار است. در منابع دینی داشتن منزل وسیع از سعادت انسان به شمار آمده «من سعادة المرء المسلم المسکن الواسع» (همان، ۵۲۶) و منزل کوچک و ضیق از دشواری‌های زندگی شمرده شده است «من شقاوة ابن آدم المسکن الضیق». (همان).

افزون بر موارد فوق، تأمین امور رفاهی زندگی که به آسودگی خاطر کمک می‌کنند نیز در اسلام از شاخص‌های توسعه پایدار از منظر اقتصادی محسوب می‌شود. امیرالمومنین (ع) در دعایی عرض می‌کند: «خدایا روزی وسیع، حلال و پاکیزه نصیب من کن، آن رزقی که با آن نیازهای زمان خود را برطرف سازیم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۷، ۱۷۵). علاوه بر این، امام سجاد(ع) در دعای خود می‌فرماید: «خدایا بهترین سطح زندگی را از تو میخواهم، آن سطحی از زندگی (وامکانات) که توان بر آوردن همه نیازهایم را داشته باشم» (همان: ۳).

افزایش تولید نیز وجه دیگری از توسعه پایدار اقتصادی در اسلام است. زیرا دستیابی به رفاه بیشتر، مستلزم تولید بیشتر است. افزایش تولید، با تغییر در روشهای تولید و افزایش بهره‌وری ممکن است. بنابراین بهبود در روشهای تولید و تحولات تکنولوژیک، عنصر

کلیدی در توسعه اقتصادی محسوب می شود. نتیجه اینکه توسعه اقتصادی مستلزم تحول مستمر در روش های تولید بوده و تغییر در روش های تولید، مستلزم تغییر در روش های انباشت سرمایه و به کارگیری علم و دانش است. از این رو گسترش روحیه علمی جامعه می تواند سهم مهمی در توسعه اقتصادی داشته باشد. (موسایی، ۱۳۸۸، شماره ۲۰)

در نهایت هدف از توسعه پایدار اقتصادی در اسلام و فقه اسلامی آن است که منجر به فقر زدایی از جامعه شود و به عنوان یک الگو بتواند باعث جلب نگاه سایر مکاتب به سمت اسلام شود و تولید قدرت نماید. بدین ترتیب از دیگر شاخصه های توسعه در اسلام، مسئله فقرزدایی است. اسلام معتقد است، وقتی در جامعه، توسعه اسلامی محقق گردد، از پیدایش عوامل فقر جلوگیری خواهد نمود. از اینرو، اسلام برای مبارزه با این واقعیت تلخ (فقر)، مالیات هایی همچون خمس و زکات را مقرر کرده است. برنامه های فقرستیزی و نیز نصوصی که در نکوهش فقر آمده، نشان می دهند که این پدیده در نظر اسلام، مطلوب نیست (اخترشهر، ۱۳۸۳، ۲۲۹). معمولاً ثروتمندان با عدم پرداخت حقوق دیگران، مالی انبوه برای خویش فراهم می سازند و دولت اسلامی وظیفه دارد مانع تکاثر ثروت شود. گذشته از این، احکام و مقررات اسلامی در بعد اقتصادی به گونه ای است که از انبوه شدن ثروت جلوگیری می کند. قرآن کریم می فرماید: «والذین یکنزون الذهب و الفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم» (توبه، ۳۴) قرآن در اموال اغنیا حقی برای فقرا و محرومان قائل است (معارج، ۲۴-۲۵) و آنان که این حق را نپردازند به عنوان سارق اموال فقرا معرفی شده اند. (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ۳۸۰) در اصل، گناه اغنیا، سبب به وجود آمدن فقر و محرومیت در جامعه می شود: «ان الناس ما افتقروا ولا احتاجوا ولا جاوعوا الا بذنوب الاغنیاء.» (حرعاملی، ۱۳۶۴، ج ۶، ۴) لذا در قیامت مورد بازخواست و مؤاخذه واقع خواهند شد. (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۰) از این رو ثروتمندان حق ندارند شرکای خود را از اموال خود محروم سازند.

در هر صورت توسعه پایدار اقتصادی از نظر فقه اسلامی دارای شرایط و معیارهایی است که در صورت تحقق می‌تواند الگویی برای دیگران، منبعی برای تولید قدرت و همچنین عاملی برای جذب و تشویق دیگران به مبانی توسعه پایدار در اسلام شود. از این رو توسعه اقتصادی پایدار در اسلام شاخصه‌ای برای قدرت نرم تلقی می‌شود.

۴-۲. توسعه اجتماعی

اسلام توجه زیادی به اجتماع ابراز داشته است و از این جهت اصلی‌ترین احکام و قواعد دین اسلام از جمله حج، نماز، انفاق، و سایر احکام را در راستای مسائل اجتماعی مطرح کرده است و تقوای دینی را نیز براساس همین اجتماعی بودن بنا نهاده است. هدف آن است که هم زندگی دنیوی هم زندگی اخروی انسان‌ها نیز تأمین شود و اصل اساسی در این رویکرد نیز سعادت انسانی است. در آیات زیادی از قرآن کریم از انسان‌ها خواسته شده که با پیروی از احکام و قواعد اسلام با هم همسو باشند و از تفرقه و اختلاف در زندگی اجتماعی بپرهیزند. از جمله می‌توان به آیات ۱۵۳ و ۱۵۹ سوره انعام، آیات ۱۰۳ و ۱۰۵ آل عمران، و همچنین آیه ۴۶ سوره انفال اشاره نمود. در آیات دیگری از قرآن کریم مسلمانان به اتفاق و اتحاد دعوت شده‌اند که برای به دست آوردن منافع و مزایای معنوی و مادی، گروه‌های اجتماعی تشکیل می‌دهند. از جمله در آیات ۱۰ سوره مبارکه حجرات، آیه ۲ از سوره مائده و همچنین آیه ۱۰۴ از سوره آل عمران به این مساله اشاره شده است (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۴، ۹۵).

اصول اسلامی همچون وحدت، اخوت، عدالت، تعاون، مشورت، مصابره و تکافل اجتماعی از جمله مبانی شکل‌گیری توسعه اجتماعی پایدار در فقه اسلامی هستند که منبعی برای افزایش اعتماد و سرمایه اجتماعی و قدرت پنهان جامعه اسلامی می‌شوند. با بررسی اصول مزبور در می‌یابیم که اجرای اصول اسلامی بر انواع و سطوح مختلف سرمایه اجتماعی تأثیر زیادی دارد و علاوه بر آن به نظر می‌رسد که پیاده شدن این اصول، مؤثرترین روشی است که می‌تواند سرمایه اجتماعی را به بالاترین سطح ممکن آن برساند. گسترش و

تعمیق اعتقادات و فرهنگ اسلامی، و فراگیر شدن مشارکت اجتماعی مردم در زمینه های گوناگون، دو برنامه اصلی جهت افزایش سرمایه اجتماعی اسلامی می‌باشند. رویکرد اسلامی مشارکت اجتماعی، ایرادات الگوهای غیراسلامی را حل می‌کند و مشارکت نیز باعث توسعه جامعه اسلامی خواهد شد.

مسئولیت‌پذیری نیز به همراه اصل اخلاقی عدالت یکی دیگر از اصول مهم در فقه اسلامی می‌باشد که اغلب نیز برگرفته از نهج‌البلاغه هستند. بر همین اساس، نگاه حضرت علی (ع) مبتنی بر اصل برابری انسانهاست نه نگاه طبیعت‌گرایانه و محافظه‌کارانه و منطبق با وضع موجود است و نه نگاه مساوات‌طلبانه نسبت به عدالت به رقم پذیرش خلقت برابر انسان‌هاست. ایشان در نهج‌البلاغه فرموده‌اند: «و میان کلان و نازک اندام، گران و سبک، نیرومند و ناتوان، در آفرینش جز همانندی نیست». از سوی دیگر حضرت از نگاه مساوات‌طلبانه نیز فاصله می‌گیرند و به اعطای حق افراد متناسب با رنج و تلاش عنایتی ویژه دارند: «رنج و تلاش هرکسی را عادلانه اجر بده و به دیگری نسبت مده» (نهج‌البلاغه). به همین ترتیب، موضوع حقوق فردی و اجتماعی؛ انصاف، عدالت، مساوات و مبارزه با ظالم و ستمگری و تجاوز از موضوعاتی است که در نهج‌البلاغه بسیار مورد توجه قرار گرفته است. آن حضرت در خطبه ۲۶ نهج‌البلاغه در مورد حقوق فردی و اجتماعی مردم سخنان گرانقدری بیان می‌کنند و در آن به بیان حقوق متقابل رهبری و مردم می‌پردازند. یعنی چنین نیست که بعضی تنها بر عهده دیگران حقوقی داشته باشند، بدون اینکه خود تعهدی داشته باشند (مهاجری، ۱۳۷۹: ۱۱۹). موارد مطرح شده الگوی تمام و کمال توسعه پایدار در حوزه اجتماعی هستند که مبانی نظری غنی اسلام در زمینه اداره جامعه و حقوق و تکالیف افراد را به ما نشان می‌دهند.

با عنایت به موارد مطرح شده بهره‌مندی از عدالت و ایجاد مساوات در جامعه به معنای رها شدن مردم از مسئولیتها و تکالیفشان نیست، بلکه آنچه مهم است مسئولیت‌پذیری افراد جامعه در قبال تکالیفی است که برای پیشرفت و آبادانی جامعه خود انجام می‌دهند. اصل

مسئولیت‌پذیری و برعهده گرفتن تکالیف ناشی از اعتماد عمومی به نظام سیاسی و یا وجود اعتماد در میان شهروندان است که می‌تواند نتایج مثبتی در پی داشته باشد. فرد فرد اعضای جامعه همچنان که مسئول خود و زندگی خویشان هستند مسئول سایر افراد جامعه نیز می‌باشند، این همان مضمون حدیث شریف «كَلِمَةُ رَاعٍ وَ كَلِمَةُ مَسْئُولٍ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (ثعالبی، ۱۴۱۸: ۲۵۳). می‌باشد که از آحاد جامعه اسلامی خواسته است تا در قبال دیگران مسئولیت‌هایی را نیز بر عهده بگیرند. به همین خاطر، هر فردی همانگونه که به فکر رفاه و خوشبختی خود هست باید به فکر رفاه و خوشبختی سایر افراد جامعه نیز باشد که این موضوع در سایه امنیت اجتماعی پایدار و وجود اعتماد عمومی همه جانبه میسر است.

۴-۳. توسعه پایدار زیست محیطی

از دیدگاه آموزه‌های اسلامی، محافظت از منابع طبیعی و محیط زیست، یکی از مهم‌ترین مسایل، بویژه در عرصه تولید به شمار می‌رود. قرآن کریم در بیان پاره‌ای از مسائل، با نگاهی جامع و فراگیر، از هر گونه فساد در زمین باز داشته است. به عنوان مثال در سوره اعراف، آیه ۸۵ می‌فرماید: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» در زمین، پس از اصلاح آن، فساد مکنید. تخریب منابع و آلاینده‌ها محیط زیست، از مصادیق فساد در زمین می‌باشد. از بهترین طرح‌های زیست محیطی اسلام، ایجاد رابطه مسئولانه میان انسان و عوامل طبیعی است. برخی از روایات، تمام افراد جامعه را در برابر طبیعت و حیوانات مسئول دانسته است؛ چنانکه امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: "اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ، أَطِيعُوا اللَّهَ وَ لَا تَعْصُوهُ" از خدا بترسید درباره بندگان او و سرزمین‌هایش، زیرا شما حتی نسبت به قطعه‌های زمین و چارپایان نیز باید پاسخگو باشید، از خدا اطاعت کنید و نافرمانی او نکنید. (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷) بدین سان، حفظ سلامت محیط زیست و منابع طبیعی، مسئولیت همگانی شمرده می‌شود.

۱. «هر کدام از شما مسئول هستید و درباره افرادی که به سخن شما گوش می‌دهند بازخواست خواهید شد».

پیرامون توسعه زیست محیطی، آیات و روایات متعددی دیده می‌شوند که می‌تواند به عنوان مبانی نظری و قواعد فقهی مستحکمی برای توسعه پایدار در اسلام شناخته شوند. اصول حفاظت از محیط زیست، باعث حفاظت از محیط زیست می‌شوند و مانعی جهت جلوگیری از تخریب و تجاوز به محیط زیست با وضع قواعد مشخص هستند. نمونه‌هایی از قواعد زیست محیطی فقهی به شرح زیر است:

۴-۳-۱. قاعده لاضرر

قاعده لاضرر که در فقه اسلامی به قاعده لاضرر و لاضرار فی السلام شهرت دارد، منبعث از آیه ۲۳۳ سوره مبارکه بقره است که از جمله روایات متعدد، عقل و اجماع می‌باشد. از میان روایات مطرح شده روایات سمره بن جندب (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ۲۹۲) از اهمیت و اثر شناختی بیشتری برخوردار است. روایات سمره در زمره متواتران بوده و از منظر اتقان سند نیز موثوق است.

اما درباره معنا و مفهوم روایت فوق، دیدگاه‌های متفاوتی در میان فقهای شیعه مطرح شده است که از جمله در بیان علامه شهید مرتضی مطهری آمده است: «یکی دیگر از جهاتی که به این دین، خاصیت تحرک و انطباق بخشیده و زنده و جاوید نگه می‌دارد این است که یک سلسله قواعد و قوانین در خود این دین وضع شده که کار آنها کنترل و تعدیل قوانین دیگر است. در حقیقت اسلام برای این قاعده‌ها نسبت به سایر قوانین و مقررات، حق و توفیق قائل شده است» (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۱۹، ۱۲۲) نکته اساسی در بررسی قاعده لاضرر، ارجحیت آن بر تمامی احکام و افعال است. به همین علت، حتی در استفاده شخصی، فرد و در محدوده تصرف و اختیارات خصوصی فرد نیز، وی صاحب اختیار مطلق نیست و می‌بایست حقوق خود را رعایت نماید. در حوزه حقوق محیط زیست نیز کاربرد قاعده فقهی لاضرر به معنای ممنوعیت هرگونه عمل و ترک فعل و همچنین قانونی است که اثرات مخرب محیط زیستی در پی داشته باشد (ابراهیمی سالاری، ۱۳۹۲)

۴-۳-۲. قاعده اتلاف

قاعده اتلاف که در اصل برگرفته از «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» است و حتی ارتباط تنگاتنگی با قاعده لاضرر نیز دارد از جمله قواعدی است که مستند به روایت خاصی نبوده و از مضمون مجموعه‌ای از آیات (بقره، ۱۹۴ و نحل، ۱۲۶) مطرح شده است. هر چند این عبارت در کتب حدیثی دیده نمی‌شود، ولی از چنان شهرتی برخوردار است و آن چنان مورد استفاده فقها قرار گرفته که در حدیث بودن آن تردیدی باقی نمی‌ماند و در بسیاری نصوص دیگر نیز کلماتی حاکی از مضمون این جمله وجود دارد. (حرعاملی، ۱۳۶۴، ج ۱۳، ۱۲۹-۱۲۵ / همان، ج ۱۸، ۲۴۳-۲۳۸) اتلاف در روابط میان افراد و زندگی آنان و محیط پیرامونشان حاکم است. به همین جهت هر فعل و ترک فعلی که منجر به تخریب محیط زیست گردد موجبات ضمان فاعل آن را فراهم خواهد کرد. به طور خلاصه می‌توان حیث محیط زیستی قاعده اتلاف را اینگونه بیان نمود: اگر فردی با رفتارهای خود به طبیعت صدمه بزند و یا باعث تخریب و اتلاف سرمایه‌های طبیعی عمومی شود، مکلف است که نسبت به جبران خسارت اقدام نماید. در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که به طور دقیق به فساد و اتلاف و تخریب زمین و طبیعت می‌پردازند که می‌تواند به عنوان مستند احکام محیط زیستی در نظر گرفته شوند. از جمله:

- آیه ۸۵ سوره اعراف: ... وَ لَآ تُفْسِدُوا فِی الْاَرْضِ بَعْدَ اِصْلَاحِهَا... در زمین پس از نظم و اصلاح آن به فساد برنخیزید.

- آیه ۴۱ سوره مبارکه روم: ظَهَرَ الْفَسَادُ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ اَیْدِی النَّاسِ ... فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام دادند آشکار شد. ذیل آیات فوق علامه طباطبائی (ره) می‌فرمایند که ظاهر این دو آیه عام بوده و تمام انواع فساد را که نظام بشری باعث تهدید کره زمین گردد را شامل می‌شوند (طباطبائی، ۱۳۷۷، ج ۲، ۵۶).

۴-۳-۳. قاعده علی الید (ضمان ید)

معنای قاعده فوق دربرگیرنده مسئولیت فردی است که موجبات ضرر رساندن به دیگری را فراهم آورده است. مستندات قاعده فوق سیره عقلا، تسالم فقها، ادله احترام مال مسلمانان و برخی روایات می باشد. (بجنوردی، ۱۴۰۱، ۵۲۰ / مصطفوی، ۱۴۲۱، ۱۷۴) از نتایج مشخص فقهی این قاعده در حفاظت از محیط زیست می توان به فتوای امام خمینی (ره) در رابطه با مصرف بی رویه آب و برق اشاره نمود که بر خلاف مقررات دولت اسلامی است و از نظر ایشان موجب ضمان می باشد. ایشان بیان کردند که زیاده روی به نحو غیر متعارف حرام است و چنانچه موجب اتلاف و ضرر باشد موجب ضمان است. "موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ۵۴۹" این فتوی می تواند مستند بسیاری از قوانین محیط زیستی ما قرار بگیرد.

۴-۴-۴. قاعده مصلحت

احکام فقهی حول محور مصالح و مفاسد می باشند و به صورت دقیق تر، هر حکم شرعی می بایست در راستای رسیدن به مصلحتی یا دفع مفسده ای باشند. مصالح پنج گانه ای که فقها مقصود شرع را نیل به آنها دانسته اند مصالح ضروری نام دارند که شامل موارد زیر هستند:

مصلحت حفظ دین؛ مصلحت حفظ نفس؛ مصلحت حفظ نسل؛ مصلحت حفظ عقل و مصلحت حفظ مال.

این مصالح از آن نظر ضروری هستند که برای حیات انسانی و سعادت دنیوی و اخروی وی کارآمد بوده و فقدان آنها، باعث هرج و مرج و اختلال در نظام اجتماعی انسانی می گردد؛ در این صورت با توجه به اهمیت این اصول، حفظ آنان بر همه چیز مقدم است (طباطبایی حکیم، ۱۹۷۹، ۳۸۳-۳۸۱) اهداف محیط زیستی در هر پنج گروه از اقسام مصالح اصلی و ضروری هستند که همگی از حیث مصالح هستند و از منظر فقهی بیان می شوند. ضمن آنکه مصالح ضروری به هیچ وجه تعطیل بردار نبوده و بر تمامی احکام، برنامه ها، اصول و قواعد مقدم هستند. از همین رو آنچه مصلحت مسلمین را تهدید نماید (برای

مثال آلوده‌سازی آبها) می‌بایست ممنوع شده و آنچه متضمن مصالح عامه است (مانند بهبود وضعیت کشاورزی برای حفاظت از خاک) می‌بایست انجام پذیرد.

مشکلات محیط زیستی و گسترش هرچه بیشتر این مشکلات باعث شده تا توجه خاصی نسبت به آنان مبذول شود. به همین دلیل قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی، رویکرد جدیدی در این زمینه در پیش گرفته‌اند. بررسی احکام فقهی اسلام در زمینه محیط زیست نشان دهنده آن است که انسان دارای اختیار کامل نبوده و در برابر عمل خود مسئول می‌باشد؛ و از سوی دیگر رفتار انسان به این دلیل که طبیعت اطراف وی پیچیده و همراه باع عکس‌العمل است، دارای شرایط خاصی است. در قرآن کریم بیان شده است: «وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ.» (هود، ۵۲)

در نهایت اینکه فهرستی از احکام زیست محیطی در آیات و روایات دیده می‌شود که هر کدام در صورت رعایت و الگو قرار گرفتن می‌توانند زیربنای توسعه پایدار نظام اسلامی در حوزه زیست محیطی شوند و قدرت نرم جامعه اسلامی را نیز افزایش دهند. از جمله: منع اسراف. (غافر، ۴۳ و ۲۸ / اسراء، ۲۷ / اعراف، ۳۱ / فرقان، ۶۷)؛ منع قطع درختان ثمردار. (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۹، ۲۶۴)؛ منع شکار برای سرگرمی. (حرعاملی، ۱۳۶۴، ج ۵، ۵۱۱)؛ منع تخریب کشتزارها. (بقره، ۲۰۵)؛ منع آلوده کردن نهرها در زمان جنگ. (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۳، ۶۵)؛ جلوگیری از آلوده کردن آب. (همان، ج ۵، ۲۸)؛ ممانعت از انسان در زمینه آلوده کردن محیط اطراف خود. (صحفی، ۱۳۷۹، ۷۵)؛ جلوگیری از تخریب لانه و محل زندگی حیوانات. (دمیری، ۱۴۲۴، ج ۲، ۱۰)؛ پیشگیری و جلوگیری از تخریب محیط زیست. (اعراف، ۸۵ / روم، ۴۱)؛ توصیه به درختکاری. (محمدری شهری، ۱۳۸۴)؛ توصیه به آبیاری درختان. (حرعاملی، ۱۳۶۴، ج ۱۷، ۴۲)؛ توصیه به احیاء موات. (همان، ۳۲۷). موارد مطرح شده همگی نشان از غنای بالای دین اسلام و منابع فقهی در حوزه توسعه پایدار محیط زیستی هستند که در صورت کاربردی شدن می‌توانند الگویی برای دیگران، مسیری برای تحقق عدالت میان نسل امروزی و حراست از میراث نسل‌های آینده می‌-

شود. در این صورت الگوی توسعه پایدار محیط زیستی در منابع فقهی، مقدمه ای برای قدرت نرم جامعه اسلامی در حوزه های داخلی، منطقه ای و بین المللی است.

نتیجه گیری

ایجاد نظام قدرت نرم از جمله دغدغه های مهم نظام های سیاسی و اجتماعی است که امروزه در زمینه های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نمود پیدا کرده است. عصر رسانه ها و جهانی شدن، رقابت ها برای الگو شدن و ایجاد قدرت نرم توسط نظام های سیاسی را شدت بخشیده است. از این جهت، استخراج و کار بست بنیان های نظری توسعه پایدار از جمله مواردی است که در صورت بهره مندی از اصول و قواعد علمی و همچنین توجه به سعادت انسانی می تواند نقش مهمی در ایجاد قدرت نرم داشته باشد. بررسی حاضر نشان داده است که اصول مطرح شده در حوزه توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه محیط زیستی در اسلام بر محوریت کرامت انسانی، بهره مندی معقول و عادلانه از منابع و همچنین اعتدال در مصرف بنا شده است. از جمله در صورت توسعه پایدار همه جانبه در اسلام، عدالت اجتماعی و اقتصادی، فقر زدایی، ایجاد رفاه عمومی، حفظ استقلال و امنیت، افزایش تولید، تعالی و الهی گونه شدن انسان ها، عزت جامعه اسلامی، توسعه محیط زیست و بهره مندی معقول از منابع سرزمینی به عنوان اصولی اساسی مطرح می شوند که خود باعث تبدیل شدن جامعه اسلامی به عنوان الگویی برای داخل، منطقه و جهان می شود که مهم ترین نتایج آن نیز جلب و جذب نظرات دیگران، نفوذ فرهنگی و ایدئولوژیکی در میان سایر جوامع و استفاده از الگوی تجربه شده در جامعه اسلامی برای سایر جوامع می باشد. در این صورت توسعه پایدار در ابعاد مختلف آن می تواند به عنوان شاخصه قدرت نرم در نظر گرفته شود. همچنین در میان تبیین مفاهیم توسعه پایدار، بیش از همه چیز باید انسان و ارزش های والای انسانی، محور قرار گیرد. اگر تعیین سیمای انسان و ارزش های انسانی و هدف سعادت مند نمودن انسان در سرلوحه الگوهای توسعه قرار گیرد، دیگر هر تعریفی از

توسعه که صرفاً اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی یا مدیریتی باشد، کافی نخواهد بود. در این شرایط برای توسعه اقتصادی باید دیدگاه وسیع‌تری را از اهداف زندگی انسانی و تلاش‌های انسانی ارائه کند و برای فرموله کردن الگوی توسعه رهنمون بدهد. از این رو، اسلام دینی است که در روند تاریخی حضور خویش، چنان عمل نمود که می‌توان گفت اسلام نه تنها مانع توسعه نبوده، بلکه سرشار از عناصری است که به عنوان عامل توسعه، عمل می‌کنند.

منابع

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) نهج البلاغه.
- ۳) اخترشهر، علی (۱۳۸۳). درآمدی بر اندیشه سیاسی امام خمینی قدس سره، قم: یاد اندیشه.
- ۴) ازکیا، مصطفی (۱۳۸۴). غفاری، غلامرضا، مقدمه ای بر جامعه شناسی روستایی. تهران: اطلاعات.
- ۵) بجنوردی، سیدمحمدحسین (۱۴۰۱ق). القواعد الفقهیه، قم: الهادی.
- ۶) ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق). تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان، بیروت: انتشارات داراحیاء التراث العربی.
- ۷) جمعه پور، محمود (۱۳۷۸). «فرایند توسعه پایدار و نقش مشارکت مردمی در مدیریت و بهره برداری بهینه از منابع طبیعی»، مجموعه مقالات همایش منابع طبیعی، مشارکت و توسعه، تهران.
- ۸) حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۴)، وسائل الشیعه، بیروت، دارالکتب العربی.
- ۹) دارابی نیا، مرتضی، فروغی نیا، حسین (۱۳۹۲). «قدرت نرم؛ بازنمایی از رویکرد جدید امنیت در عصر جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال ششم، شماره ۲۲، زمستان.
- ۱۰) سنجابی شیرازی، جهانبخش (۱۳۸۹). «مفهوم شناسی و تبارشناسی قدرت و جنگ نرم؛ اصول و روش های رویارویی با آن در منابع علمی»، فصلنامه ره نامه سیاستگذاری دفاعی و امنیتی، سال اول، شماره دوم، زمستان.
- ۱۱) صحفی، سید محمد (۱۳۷۹). تعالیم انسانی اسلام، تهران، سازمان تبلیغات.
- ۱۲) طباطبایی حکیم، محمد تقی (۱۹۷۹م). الاصول العامه للفقہ المقارن، بیروت: مؤسسه آل البیت.
- ۱۳) طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۷). المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین
- ۱۴) طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۳). المبسوط فی فقه الامامیه. تهران: المکتب المرتضویه.
- ۱۵) عظیمی، حسین (۱۳۶۹). «توسعه، فرهنگ، آموزش»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۳۸.
- ۱۶) کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). اصول کافی، قم: اسوه.
- ۱۷) گلشن پژوه، محمدرضا (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی و مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۱۸) متوسلی، محمود (۱۳۹۲). توسعه اقتصادی، مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روشن شناسی. تهران: سمت.

- ۱۹) مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار، مصحح محمد باقر محمودی، عبدالزهراء علوی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۲۰) محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴). میزان الحکمه، قم: دارالحدیث.
- ۲۱) مشکى، مهدى (۱۳۹۵). مدرنیته، توسعه و لیبرالیسم. قم: دفتر نشر معارف.
- ۲۲) مصطفوی، محمد کاظم (۱۴۲۱). القواعد، قم: دفتر نشر اسلامی.
- ۲۳) مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). مجموعه آثار، تهران: صدرا.
- ۲۴) مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲). انوارالاصول، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
- ۲۵) موسایی، میثم (۱۳۸۸). «رابطه توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی»، نشریه راهبرد یاس، شماره بیست، صص ۹۷-۱۱۹.
- ۲۶) موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۰). صحیفه نور، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۷) موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۹۰ق). تحریر الوسیله، نجف: مطبعه الاداب.
- ۲۸) موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۱۰ق). الرسائل، قم: اسماعیلیان.
- ۲۹) مولدان، بدریچ، سوزان بیلهارز (۱۳۸۱). شاخص های توسعه پایدار، ترجمه نشاط حداد تهرانی، ناصر محرم نژاد، تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.
- ۳۰) مهاجری، علی (۱۳۷۹). جرائم خاص کارکنان دولت، تهران: انتشارات کیهان.
- ۳۱) نای، جوزف (۱۳۸۷). جنگ نرم، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۳۲) نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق) مستدرک الوسائل، بیروت، موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- 33) Gray, Colin. S. (2011). Hard Power and Soft Power; the utility of military Force AS An instrument of Policy in the 21ST Century, strategic Students Institute.
- 34) Lin and Hongtao, Li and Leng (2017). Joseph Nye Soft Power T Heory and Its Revelation Towards Ideological and Political Education, Humanities and Social Sciences. Vol. 5, No. 2.
- 35) Patalakh, Artem (2016). Assessment of Soft Power Strategies: Towards an Aggregative, Analytical Model for Country-Focused Case study Research, CIRR xxxii (76).